

ماهیت مدیریت جریان داوری توسط مراکز داوری و قانون حاکم بر آن

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۶ – تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۱)

مهدی حدادی

استادیار گروه حقوق بین‌الملل و عمومی دانشگاه تهران (پدریس فارابی)*

چکیده

با گسترش روزافزون اقبال به داوری تجاری بین‌المللی، نقش مؤسسات و مراکز داوری در این موضوع مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. این مراکز در چارچوب قواعد و آیین‌نامه‌ها، کارکردهای مختلف برای خود در نظر می‌گیرند، از جمله ارائه خدمات دفتری تا مدیریت جریان داوری. ضمن مدیریت جریان داوری، مراکز داوری مشکلات و موانع پیش‌روی تشکیل محکمه داوری و جریان رسیدگی را بر طرف کرده و بر کار داور نظارت می‌کند تا امر رسیدگی در چارچوب قواعد و مواعید مشخص انجام پذیرد. بدین ترتیب مراکز داوری بخشی از وظایف دادگاه‌های داخلی را در داوری موردی انجام می‌دهند.

در خلال مدیریت جریان داوری، مراکز گاهی تصمیماتی می‌گیرد که ماهیت قضایی دارد. اگرچه مراکز داوری در فرایند رسیدگی به اختلاف وارد نمی‌شود، اما تصمیماتش در فرآیند مدیریت جریان داوری بر نتیجه پرونده تأثیرگذار است. مراکز داوری در اداره جریان داوری تابع مقررات خود بوده، اما موظف است از مقررات امری قانون محل داوری به‌ویژه اصول دادرسی عادلانه پیروی کند. در صورت عدم رعایت اصول مذکور، امکان طرح دعوی علیه مراکز در دادگاه‌های داخلی و ابطال تصمیم مراکز یا رأی داوری صادره در آن مرکز وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: مراکز داوری، مدیریت جریان داوری، محکمه داوری، اصول دادرسی عادلانه، دادگاه داخلی.

مقدمه

بسیاری از اختلافات روزانه در سطح جهان در زمینه تجارت بین‌الملل از طریق داوری سازمانی و با مدیریت مراکز داوری حل و فصل می‌شوند. امتیازات داوری سازمانی، سبب گسترش سازمان‌های داوری در سطح جهان شده است. این رشد مراکز داوری، داوری تجاری بین‌المللی را از لحاظ ماهوی و شکلی متحول نموده است. در بخش توسعه ماهوی، مراکز داوری مهمی همچون ICC با نظارت و هدایت دیوان داوری بین‌المللی نقشی عمده در توسعه حقوق بازرگانی فراملی که از جمله منابع حقوقی حاکم بر ماهیت دعوی می‌باشد؛ ایفا می‌کنند. از طرف دیگر این مراکز با تنظیم قواعد داوری مناسب، روند رسیدگی را ساده‌تر کرده و به رسیدگی داوران سرعت می‌بخشند. البته امکان تغییر به موقع قواعد داوری متناسب با تحولات و در راستای برگزاری بهتر امر داوری موجب تحول در قواعد شکلی داوری تجاری بین‌المللی می‌شود.

در کنار این تأثیرگذاری کلی مراکز داوری، موضوع «مدیریت جریان داوری» از اهمیت قابل توجهی در داوری سازمانی برخوردار است. همان‌گونه که می‌دانیم در داوری سازمانی، یک مرکز داوری خودش اختلاف طرفین را حل و فصل نمی‌کند، بلکه بر اساس قواعد وظایف مشخصی را با هدف مدیریت مناسب جریان داوری انجام می‌دهد. این نوع فعالیت تأثیر قابل توجهی بر کارایی جریان داوری دارد. این واقعیت که طرفین دعوی اغلب ترجیح می‌دهند به داوری سازمانی مراجعه کنند، نقش مثبت مراکز داوری در مدیریت جریان داوری را نشان می‌دهد.

برای توصیف عملکرد مراکز داوری اغلب از اصطلاحاتی همچون «اداره اختلاف» یا «مدیریت اختلاف» و مانند آن استفاده می‌شود. برای مثال بر اساس مقررات مؤسسه داوری اتاق بازرگانی استکهلم^۱ مؤسسه نهاد مسئول اداره اختلافات (ماده ۱) و ارائه دهنده خدمات اداری در ارتباط با حل و فصل اختلافات است. (ضمیمه ۱، ماده ۱) وظیفه مؤسسه اداره کردن اختلافات داخلی و بین‌المللی مطابق با مقررات قابل اجرا است (ضمیمه ۱، ماده ۲).

بر اساس قواعد داوری ICC، دیوان رأساً به حل و فصل دعاوی مورد اختلاف نمی‌پردازد، بلکه حل و فصل اختلافات را بر اساس قواعد اتاق بین‌المللی اداره می‌نماید. دیوان تنها هیئت مجاز به اداره داوری‌ها بر اساس قواعدی است که شامل بررسی و تصویب آرای صادر شده مطابق با قواعد

است (ماده ۱ بند ۲). دیوان وظیفه اطمینان از اجرای قوانین را نیز برعهده دارد (ضمیمه ۱، ماده ۱ ((۱)).

در قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران آمده است: «مرکز داوری وظایف و اختیارات خود را از طریق هماهنگی، سازماندهی، نظارت و مدیریت جریان داوری انجام می‌دهد، بدون آن که خود مباشرت به داوری کند» (ماده ۲). لذا اصطلاح مدیریت و مشتقات آن معمولاً برای بیان ماهیت عملکرد انجام شده توسط نهادهای داوری استفاده می‌شود.

این مقاله مدیریت جریان داوری توسط سازمان داوری را از منظر شکلی (آیین رسیدگی) مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا سؤالاتی قابل طرح است:

آیا می‌توان از مدیریت جریان داوری توسط مراکز داوری به عنوان نوع خاصی از آیین رسیدگی صحبت کرد؟

اگر چنین است تفاوت‌ها و شباهت‌های میان این نوع از آیین رسیدگی و آیین رسیدگی محاکم داوری چیست؟

آیا این دو نوع آیین رسیدگی تابع مقررات متفاوتی هستند؟

در بررسی موضوع مقررات مرکز داوری اتاق ایران، قواعد داوری ICC محور تحقیق خواهد بود و در صورت لزوم به مقررات داوری سایر مراکز داوری اشاره خواهیم داشت.

۱. بررسی اجمالی مدیریت جریان داوری بر اساس قواعد داوری ICC و مرکز داوری اتاق ایران

اصولاً مراکز داوری تسهیل‌کننده و واسطه ارجاع امر به داور هستند و در عین حال نقش‌های متعدد اداری، کارشناسی و نظارتی ایفاء می‌کنند. مرکز داوری با تقسیم کار بین مسائل اداری و حقوقی به نوعی مسئولیت اداری و بعضی امور شبه حقوقی را بر عهده گرفته و جریان کار را تسهیل می‌کند. در واقع مرکز عهده‌دار آن قسمت از فعالیت‌هایی می‌شود که در داوری اختصاصی حسب مورد بر عهده طرفین، دادگاه یا داور است (سیفی، بی تا: ۶). تمام مراکز داوری، دارای قواعد و آیین رسیدگی هستند که بر اساس آن روند داوری از سوی سازمان مزبور هدایت و کنترل می‌شود (شیروی، ۱۳۹۱: ۲۰). موضوع التزام مراکز داوری به قواعد امری مقرر داوری و نیز اصول دادرسی عادلانه در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از آنجا که بررسی ماهیت مدیریت جریان داوری و قانون حاکم بر آن مستلزم آشنایی با اقداماتی است که مراکز داوری در اداره جریان داوری انجام می‌دهند، در ادامه به این نوع اقدامات در دو مرکز داوری به عنوان نمونه اشاره می‌نماییم.

۱-۱. مدیریت جریان داوری در دیوان داوری ICC

نظام داوری ICC مهم‌ترین نظام داوری تجاری بین‌المللی در دوران معاصر است و همواره در عرصه داوری بین‌المللی پیشتاز و اثرگذار بوده و نقش مهمی در ترویج و توسعه اسلوب داوری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی داشته است. هم قواعد داوری اتاق و هم آرای داوری که در چارچوب محاکم داوری اتاق صادر می‌شود، از مهم‌ترین منابع حقوقی در زمینه داوری بین‌المللی است و از عوامل شکل‌دهنده و سازنده‌ی رویه داوری بین‌المللی به شمار می‌رود (مجی، ۱۳۷۸: ۲۹). دیوان داوری بر اساس قواعد داوری بر جریان رسیدگی داوری از درخواست داوری تا رأی نهایی داوری نظارت می‌کند. نحوه مدیریت در دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی از نوع شدید و سخت محسوب می‌شود، قرار نامه داوری، تعیین جدول زمانی صدور رأی و آیین‌های نظارت و بازبینی جنبه بنیادی برای این نظام دارد (لیو، ۱۳۹۱: ۶۱). دیوان مسئولیت موارد ذیل را بر عهده داشته و اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد:

۱. تصمیم خواهد گرفت که آیا موافقت‌نامه داوری علی‌الظاهر^۱ وجود دارد یا نه (ماده (۴) ۶).
۲. دیوان بر اساس درخواست طرفین دو یا چند داوری را در یک داوری واحد ادغام می‌کند (ماده (۱۰).
۳. اعلامیه استقلال را از داوران دریافت می‌کند و داوران شرایطی را که ممکن است استقلال آن‌ها را مورد سؤال قرار دهد به دبیرخانه ICC ارائه می‌دهند (ماده (۱۱).
۴. در خصوص تعداد داوران تصمیم خواهد گرفت (ماده (۲) ۱۲).
۵. حسب مورد داوران را نصب خواهد نمود و یا داوران معرفی (پیشنهاد) شده توسط طرفین را تأیید خواهد کرد (ماده ۱۲ و ۱۳).
۶. در خصوص جرح داوران تصمیم خواهد گرفت (ماده (۱۴).

۱. prima facie

۷. تعیین داور جایگزین در صورت فوت داور، پذیرش استعفا، قبول جرح، یا عدم انجام وظایف (ماده ۱۵).

۸. پرونده را به محکمه داوری تسلیم خواهد نمود (ماده ۱۶).

۹. محل داوری را تعیین خواهد کرد (ماده ۱۸).

۱۰. سند موسوم به قرارنامه داوری را تصویب خواهد کرد (ماده ۲۳).

۱۱. مهلت زمان صدور رأی را در صورت لزوم تمدید خواهد کرد (ماده ۳۰).

۱۲. رأی داوری را از نظر شکلی بررسی می کند (بر رأی داوری نظارت می کند) و آن را تصویب می کند. بدون تصویب دیوان رأی داوری صادر نخواهد شد (ماده ۳۳).

۱۳. رأی پس از تصویب به امضا داوران رسیده و بوسیله دبیرخانه دیوان به طرفین ابلاغ می شود (ماده ۳۴).

۱۴. مقدار پیش پرداخت کلیه هزینه های داوری را تعیین خواهد کرد (ماده ۳۶).

۱۵. هزینه ها و حق الزحمه داور(ان) را مطابق جدول هزینه ها تعیین می کند (ماده ۳۷).

۱۶. در صورت درخواست دستور موقت از جانب هریک از طرفین تا قبل از تشکیل محکمه داوری دیوان ظرف دو روز یک داور اضطراری تعیین می کند (ماده ۲۹ و مقررات پیوست ۵).

۱-۲. مدیریت جریان داوری در مرکز داوری اتاق ایران

اگرچه داوری در حقوق ایران سابقه دیرینه دارد، لکن به لحاظ شکل و نحوه انجام به صورت داوری موردی بوده است که با تراضی طرفین از طریق دادگاه انجام شده است. با تشکیل مرکز داوری، برای نخستین بار مفهوم داوری سازمانی وارد نظام حقوقی ایران شد. مرکز داوری اتاق ایران، در اجرای بند «ح» ماده «۵» قانون اصلاح موادی از قانون اصلاح اتاق بازرگانی ایران و صنایع و معادن ایران^۱، به منظور حل و فصل اختلافات بازرگانی داخلی و خارجی، بر مبنای «قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران»^۲، تأسیس گردید. مرکز دارای استقلال مالی و اداری بوده و در شهر تهران، در محل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مستقر است و دارای سه رکن هیئت مدیره، دبیر کل و داوران می باشد.

۱. مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۵

۲. مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۴

برابر اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران، قواعد آیین رسیدگی داوری در محاکمی که تحت نظر مرکز داوری اتاق ایران تأسیس می‌شوند، در اختلافات تجاری بین‌المللی وفق قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ و در اختلافات تجاری داخلی برابر مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۹ خواهد بود (ماده ۱۰). قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ نیز بر مبنای قانون مدل آنستیرال ۱۹۸۵ تصویب شده است.

از جمله وظایف هیئت مدیره مرکز، تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌ی داخلی مرکز در ارتباط با نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات و هزینه‌ی داوری (به استثنای تعرفه‌های داوری) و امور مالی و استخدامی برای تصویب به هیئت نمایندگان اتاق ایران است (ماده ۶). همچنین تأیید فهرست افراد واجد صلاحیت داوری پس از پیشنهاد دبیرکل با هیئت مدیره مرکز می‌باشد (ماده ۸). بر این اساس در چارچوب آیین‌نامه، هیئت مدیره مرکز داوری اتاق تلاش کرده است تا مقررات مورد نیاز مرکز را در زمینه‌ی اداره‌ی بهتر جریان داوری تهیه نماید. این قواعد مورد نظر هیئت مدیره در قانون داوری تجاری بین‌المللی ۱۳۷۶ یا قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب موجود نیست. برای مثال می‌توان به قرارنامه‌ی داوری و برنامه‌ی زمان‌بندی (ماده ۳۹ آیین‌نامه مرکز) و بررسی پیش‌نویس رأی داوری (ماده ۵۳ آیین‌نامه مرکز) و بدین منظور تأسیس دیوان داوری در مرکز (مواد ۲۲ تا ۲۷ آیین‌نامه‌ی تشکیلات مرکز) اشاره نمود. با مقایسه‌ی مقررات مرکز با قواعد داوری ICC روشن می‌شود که مرکز داوری اتاق ایران در خصوص موارد ذکر شده از مقررات ICC الگوبرداری کرده و تلاش کرده است ضمن رعایت مقررات داوری ایران خلأهای موجود در مقررات داوری ایران را با آیین‌نامه پر کند.

در ادامه به اختصار به عمده وظایف یا مسئولیت‌های مرکز داوری اتاق ایران که در قواعد مرکز آمده است، اشاره می‌کنیم:

۱- خواهان و خوانده‌ی داوری باید دادخواست، پاسخ (دفاع) و دعوای متقابل خود و پاسخ به دعوای متقابل را با مرکز داوری مبادله کنند و مرکز، این لوایح را دریافت و به طرف دیگر ابلاغ خواهد کرد (مواد ۶ و ۷).

۲- طرفین در لوایح اولیه‌ی خود در صورت معین بودن داور اختصاصی خود، او را به مرکز معرفی خواهند کرد (ماده (۵) ۶ و (۳) ۷). پس از تبادل لوایح طرفین و تکمیل پرونده در مرکز

داوری، آن مرکز پرونده را به داور تسلیم خواهد کرد (مواد ۸ و ۳۶). ممکن است پرونده بدون تبادل لوایح در مرکز به داور تسلیم شود (تبصره ۱ ماده ۸).

۳- مرکز داوری ممکن است مواعد تبادل لوایح را تمدید کند (تبصره ۲ ماده ۸).

۴- مرکز داوری احراز خواهد کرد که ظاهراً (prima facie) موافقت‌نامه‌ی داوری بین طرفین وجود دارد یا نه (ماده (ب) ۹). مرکز داوری در شرایطی نسبت به وجود موافقت‌نامه‌ی داوری، اعتبار یا حوزه‌ی شمول آن تصمیم‌گیری خواهد کرد (ماده (پ) ۹).

۵- در صورتی که طرفین تعداد و نحوه‌ی انتخاب داور را تعیین نکنند، مرکز داوری یک نفر داور تعیین و به اعتراضات مربوط به جهات رد این داور نیز رسیدگی خواهد کرد (ماده (الف) ۱۰).
۶- داور یا داوران طرف ممتنع را انتخاب و به اعتراضات و جهات رد آن رسیدگی خواهد کرد (ماده (۲) (ب) ۱۰ همچنین ماده ۱۵).

۷- مرکز ممکن است به جای شخص ثالث (مقام ناصب) نیز داور تعیین کند (ماده (۲) و (۱) ۱۱).

۸- مرکز به جای داوران تعیین شده که داوری را نپذیرفته‌اند یا دسترسی به آن‌ها نباشد، داور تعیین خواهد کرد (ماده (۳) ۱۱).

۹- طرفین می‌توانند از میان داوران معتمد مرکز، داور انتخاب کنند و در صورتی که داور خود را خارج از فهرست داوران مرکز انتخاب کنند، باید نام او به عنوان داور معتمد مرکز به تصویب هیئت مدیره‌ی مرکز برسد (ماده ۱۳).

۱۰- در داوری‌های بین‌المللی محل داوری را تعیین خواهد کرد (ماده ۱۶).

۱۱- ابلاغ اوراق، اخطاریه‌ها و مواعد بین طرفین و بین آن‌ها و داور و بالعکس باید ابتدا به مرکز داوری و سپس از طریق آن به طرفین و داوران انجام شود (ماده ۱۸).

۱۲- داور اعلامیه‌ی بی‌طرفی و استقلال را امضا و به مرکز داوری تسلیم خواهد کرد (نه به طرفین یا طرف مقابل). در صورتی که اعلامیه‌ی مذکور حاوی اطلاعاتی باشد که استقلال داور را در نزد طرفین با تردید مواجه کند، آن را به طرفین ابلاغ خواهد کرد و طرفین نظر خود را راجع به اطلاعات ارائه شده در اعلامیه، به مرکز اعلام خواهند کرد و دیوان داوری مرکز تصمیم خواهد گرفت (ماده (ب) ۲۲).

۱۳- در داوری‌های بین‌المللی، مرکز در خصوص جرح داور تصمیم‌گیری خواهد کرد (ماده ۲۴).

۱۴- مرکز در خصوص تعویض داور امتناع کننده از حضور و قاصر یا ناتوان در انجام وظیفه، تصمیم‌گیری خواهد کرد (ماده ۲۵).

۱۵- در صورت تقاضای دستور موقت از محاکم دادگستری، باید به مرکز اطلاع داده شود (ماده (ت) ۳۵).

۱۶- مرکز قرارنامه داوری (داوری‌نامه) را در صورت عدم مشارکت در تنظیم یا امضای یک طرف، تأیید خواهد کرد (ب) ۳۹).

۱۷- پیش‌نویس رأی قبل از امضای داوران، به مرکز داوری تسلیم خواهد شد (ماده (پ) ۴۸).

۱۸- مرکز (از طریق دیوان داوری مرکز) پیش‌نویس رأی را از لحاظ شکلی و ماهوی بررسی خواهد کرد و داور نظرات مرکز را در مسائل شکلی باید رعایت کند ولی در مسائل ماهوی مختار است که قبول کند (ماده (الف) ۵۳) و (ماده ۲۵ آیین‌نامه‌ی تشکیلات داوری).

۱۹- در داوری‌های بین‌المللی، داور (ونه مرکز) می‌تواند مهلت شش ماهه‌ی داوری را تمدید کند، اما باید به اطلاع مرکز برسد.

۲۰- مرکز، رأی داوری را ثبت و به طرفین ابلاغ خواهد کرد (ماده (ب) ۵۳ و ماده ۵۶).

۲۱- درخواست اصلاح یا تفسیر رأی به مرکز داده خواهد شد و مرکز یک نسخه از آن را به طرف مقابل جهت اظهارنظر ابلاغ خواهد کرد (ماده (پ) ۵۷).

۲۲- مرکز هزینه‌ی داوری را طبق تعرفه تعیین و به طرفین ابلاغ می‌کند (ماده (ب) ۵۸).

۲۳- مرکز مقدار پیش پرداخت هزینه‌ها (توسط خواهان) را تعیین خواهد کرد (ماده (ب) ۵۸).

۲۴- در صورت عدم پرداخت هزینه‌ها توسط طرفین در مهلت مقرر، مرکز داوری (با مشورت با داور) رسیدگی را متوقف خواهد کرد (ماده ۶۰) و در صورت اعتراض به آن، دیوان داوری مرکز به اعتراض رسیدگی خواهد کرد (ماده ۶۱) (نیکبخت، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۵).

۲. ماهیت مدیریت جریان داوری

فهرست فوق در مورد وظایف انجام شده توسط مراکز داوری، امکان درک بهتر قلمرو و ماهیت آن‌ها و نیز ترسیم نتایج را فراهم می‌کند. فعالیت‌های مراکز داوری را در کل می‌توان به دو دسته

تقسیم کرد: وظایفی که ارتباط مستقیم با اختلافات خاص دارند؛ مثل تعیین داور، رسیدگی به جرح داور و وظایفی که چنین ارتباط مستقیمی ندارند؛ مانند ارائه لیستی از داوران و سازش گران، بررسی رویه‌ی داوری و ارائه‌ی قواعد جدید داوری یا سازش.

ممکن است گفته شود که وظایف متعلق به دسته‌ی اول لزوماً در مورد هر اختلاف قابل اعمال نیست؛ لذا در این صورت آن‌ها ماهیت کلی دارند. وظایف دسته‌ی دوم نیز در بلند مدت به مدیریت مطلوب اختلافات می‌انجامد و می‌توان گفت وظایف مرتبط به هیچ‌وجه تأثیری بر حل و فصل اختلافات خاص ندارند. بنابراین این تفکیک مرسوم ماهیت مطلق ندارد. (Zykin, 2010: 607) ما بیشتر با دسته‌ی اول وظایف سروکار داریم؛ زیرا آن‌ها اهمیت کاربردی بیشتری درباره‌ی اختلافات خاص دارند. از نظر ما این وظایف ماهیت آیین رسیدگی (شکلی) دارند و چنین مشخصه‌ای یک گام ضروری برای تعیین قانون حاکم است.

در آثار و نوشته‌های ارائه شده پیرامون داوری سازمانی در خصوص کارکرد مراکز داوری، دو دیدگاه اصلی ملاحظه می‌شود. بر اساس دیدگاه نخست، در حالی که مراکز داوری گاهی اوقات برای اخذ تصمیم فراخوانده می‌شوند، چنین تصمیماتی اهمیت چندانی ندارند؛ زیرا برخلاف تصمیمات محکمه‌ی داوری این تصمیمات اداری هستند و نه قضایی. این دیدگاه به طور قابل توجهی از رویه‌ی قضایی فرانسه متأثر است. مطابق دیدگاه دوم، مراکز داوری به عنوان مدیران صرف که هیچ گونه قدرت تصمیم‌گیری ندارند، مورد توجه قرار می‌گیرند. پذیرش این نظرات واجد اثر حقوقی است؛ بویژه از جهت اعمال الزامات دادرسی عادلانه که در قسمت بعد به آن اشاره می‌کنیم. پس از بررسی کوتاه این دیدگاه‌ها خواهیم دید که آن‌ها واقعیت داوری سازمانی را منعکس نمی‌کنند.

۲-۱. مشارکت اتفاقی در جریان رسیدگی و اخذ تصمیمات اداری

از نظر دیدگاه نخست، مراکز داوری به عنوان مدیرانی توصیف می‌شوند که قدرت تصمیم‌گیری اتفاقی و موردی دارند؛ قدرتی که در نهایت بی‌اهمیت است. در این دیدگاه تأیید می‌شود که برخی تدابیر اتخاذ شده از سوی مراکز داوری در جریان رسیدگی‌های داوری که بر آن‌ها نظارت می‌کنند، از جهت ماهیت تصمیم هستند، اما ماهیت تدابیر اتخاذ شده توسط مراکز داوری از تصمیمات محاکم داوری متفاوت است. تدابیر اتخاذ شده توسط مراکز داوری ماهیت اداری دارد،

در حالی که اقدامات و تصمیمات محکمه‌ی داوری، قضایی است. این دیدگاه در میان حقوق‌دانان نظر غالب است.

از نظر طرفداران این دیدگاه، منظور از غیرقضایی بودن تصمیمات مراکز داوری آن است که آن‌ها به طور کلی در جریان رسیدگی اختلاف مشارکت ندارند و اختلاف ارجاع شده به مرکز داوری فقط توسط داوران حل و فصل می‌شود. به عبارتی این دیدگاه نقش مرکز داوری را به حداقل می‌رساند؛ زیرا تأثیر آن‌ها بر نتیجه‌ی جریان رسیدگی را نفی کرده و در عوض نقش آن‌ها را تسهیل کننده اداری صرف فرض می‌کند. (Gerbay, 2014: 113)

نکته مهم دیگر آن است که تفاوت در ماهیت تصمیمات مرکز داوری و محکمه‌ی داوری (تصمیمات اداری در مقابل تصمیمات قضایی) در رژیم حقوقی قابل اعمال بر چنین تصمیماتی تعیین کننده است. در صورتی که تصمیم مرکز داوری اداری توصیف شود و نه قضایی، مرکز بر خلاف داوران الزامی به رعایت الزامات دادرسی عادلانه ندارد. در واقع این دیدگاه با چنین تمایزی به رها شدن مرکز داوری از مشکلات رعایت الزامات دادرسی عادلانه که بر تصمیمات داوران حاکم است، کمک می‌کند. (Paulsson, 1990: 248)

۲-۲. مدیر صرف بدون هیچ گونه قدرت تصمیم‌گیری

مطابق دیدگاه دوم، مراکز داوری صرفاً مدیرانی هستند که لیست داوران و خدمات اداری و پشتیبانی برای طرفین فراهم می‌کنند، بدون هرگونه تصمیم‌گیری در مورد مسائل ماهوی یا مسائل شکلی. برای مثال در تعریفی از داوری سازمانی بیان شده است: منظور از داوری سازمانی یا مدیریت شده، حل و فصل اختلافات به وسیله‌ی آیین رسیدگی داوری مدیریت شده توسط یک مرکز داوری دائمی همچون دیوان دائمی داوری لاهه یا مرکز ایکسید می‌باشد. مرکز داوری خود در مورد اختلاف تصمیم نمی‌گیرد، بلکه به عنوان دبیرخانه برای محاکم داوری که به طور موردی در سایه‌ی حمایتش تأسیس شده‌اند، عمل می‌کند. (Halsbury's Laws of England, 2010: 494)

در واقع در مراکز داوری، داوران مستقل هستند و وظایف ایشان نیز از مرکز داوری تفکیک شده است. اخذ تصمیم در اختلاف طرفین با داوران است و رابطه‌ی خادم و مخدومی بین داور و مؤسسه‌ی داوری وجود ندارد. (مشکور، ۱۳۹۱: ۸۵)

در این نوع داوری، قرارداد داوری به جای اینکه دو طرفه باشد، یک رابطه‌ی سه طرفه بین طرف اول، طرف دوم و مرکز داوری است. مرکز داوری در رأس و طرفین در دو ضلع دیگر قرار دارند. بعد از اینکه داور تعیین شد، دو رابطه‌ی حقوقی مستقل دیگر ایجاد می‌شود. رابطه‌ی بین داور و طرفین از یک سو و رابطه‌ی بین داور و مرکز داوری از سوی دیگر. (همان: ۸۶)

به ظاهر، دیدگاه اول و دوم شبیه به هم است؛ چرا که هر دو بر یک مبنای حقوقی نظر خود را قرار داده‌اند، و آن مبنا این است که اعمال و اقدامات مرکز داوری غیر قضایی و اداری است. در واقع وحدت مأموریت قضایی و دادرسی وجود ندارد و این مأموریت در کل به محکمه‌ی داوری واگذار شده است. به نظر می‌رسد هرچند دو دیدگاه مغایر هم نیستند، کاملاً شبیه هم نیستند. در دیدگاه اول، تدابیر سازمانی، خواه تصمیمی یا غیر تصمیمی خارج از مأموریت دادرسی قرار می‌گیرد؛ مانند تصمیم در مورد جرح داور. اما دیدگاه دوم، معتقد است ماهیت فعالیت‌های مراکز داوری غیر تصمیمی است؛ یعنی تدابیر اتخاذ شده توسط مرکز داوری تصمیم‌گیری تلقی نمی‌شود.

۲-۳. مشارکت‌کننده‌ی فرعی در جریان رسیدگی (دیدگاه واقع‌گرایانه)

به نظر می‌رسد تئوری ارائه شده باید با کارکردهای مراکز داوری در عمل منطبق باشد. در قانون نمونه‌ی داوری تجاری بین‌المللی آنستیرال (ماده ۶) و همچنین در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (ماده ۶) برحسب اینکه داوری موردی باشد یا سازمانی مرجع نظارت متفاوت خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت وقتی طرفین اختلاف به جای داوری به مرکز داوری مراجعه می‌کنند و تمایل دارند محکمه‌ی داوری آن‌ها زیر نظر و هدایت مرکز کار رسیدگی را انجام دهد، اموری که در داوری موردی بر عهده‌ی دادگاه‌های داخلی قرار دارد، به مرکز داوری منتقل می‌شود. در این صورت با انتخاب داوری سازمانی بخشی از مأموریت قضایی به یک مرکز داوری انتقال می‌یابد.

مراکز داوری در مدیریت جریان داوری، اقدامات مختلفی را انجام می‌دهند که بسیاری از آن‌ها خصوصیت تصمیمی دارد. به عبارت دیگر مراکز داوری وارد امر تصمیم‌گیری می‌شوند. همان گونه که در قسمت قبل ملاحظه شد، این مراکز بر اساس قواعد داوری خود، موارد مهمی را تعیین تکلیف می‌کنند؛ از جمله در مورد محل داوری، زبان داوری، محدوده زمانی، ورود ثالث، عزل داور و انجام چنین اقداماتی مستلزم اخذ تصمیم است و چنین تصمیماتی بر اساس قواعد داوری مرکز برای طرفین الزام‌آور است.

در تمام مراکز داوری قسمت عمده‌ی اختیارات تصمیم‌گیری، مربوط به محکمه‌ی داوری است و نه مرکز؛ از جمله اینکه کل اختیارات تصمیم‌گیری در مورد مسائل ماهوی، اختلاف متعلق به محکمه‌ی داوری است. لذا بدیهی است گفته شود در داوری سازمانی تصمیم‌گیر اصلی محکمه‌ی داوری است.

با وجود این، گاهی اوقات برخی از اقدامات اتخاذ شده از سوی مراکز داوری ممکن است بر نتیجه‌ی دعوی تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر بعضی تصمیمات سازمانی از سطحی از اهمیت برخوردار هستند. لذا مراکز داوری اگرچه به صورت فرعی، در جریان رسیدگی داوری‌هایی که تحت حمایتش انجام می‌شود، مشارکت دارند. لذا نمی‌شود گفت مرکز داوری در مأموریت دادرسی نقشی ندارد.

این فرض که تمام تصمیمات سازمانی نسبت به تصمیمات داور یا داوران فاقد اهمیت است، درست نیست. سطح اهمیت یک تصمیم، یعنی قابلیت تأثیرگذاری آن بر نتیجه‌ی دعوی؛ اساساً بر هویت تصمیم‌گیرنده مبتنی نیست. لذا دسته‌بندی تصمیمات در دیدگاه اول به تصمیمات اداری مرکز و تصمیمات قضایی داور یا داوران قابل قبول نیست. (Gerbay, op.cit: 203)

۳. قانون حاکم بر جریان داوری

از آنجا که داوری شیوه‌ی حقوقی حل و فصل اختلافات است، همچون مراجع قضایی تابع ضوابط و مقررات ماهوی و شکلی می‌باشد. در این قسمت قانون مورد نظر ما مقررات حاکم بر آیین و فرایند داوری است؛ مقرراتی که از تشکیل محکمه‌ی داوری شروع شده است و به رأی ختم می‌شود. بر حسب اینکه داوری موردی باشد یا سازمانی، قانون حاکم و مرجعی که بر اعمال قانون نظارت می‌کند و جریان داوری را راهبری می‌کند، متفاوت خواهد بود.

۳-۱. قانون حاکم بر آیین رسیدگی داوری

با توجه به پذیرش ماهیت توافقی داوری از سوی اغلب حقوق‌دانان، اصل حاکمیت اراده و به عبارتی حق طرفین در انتخاب قانون حاکم بر آیین داوری، اصلی جهان شمول است. البته در این زمینه بحثی چالشی نیز وجود دارد و آن این است که آیا طرفین می‌توانند یک سیستم حقوقی غیرملی و به عبارتی یک آیین رسیدگی غیر محلی را برگزینند؟ دیدگاه سستی اصرار بر اعمال یک نظام

حقوق ملی یا محلی دارد که معمولاً همان قانون مقر داوری است، در حالی که وجه مشخصه دیدگاه نوین در امکان اعمال یک آیین داوری غیر محلی است. (جنیدی، ۱۳۷۸: ۸۲)

تأثیر نظریه‌ی غیر محلی کردن داوری در حد رهایی از یک نظام حقوقی ملی معین تثبیت شده است و طرفین یا داوران امکان ارجاع به یک مجموعه‌ی غیرملی مانند مجموعه مقررات یک مرکز داوری را دارند. (همان: ۸۳) در ماده‌ی ۱۹ قانون نمونه‌ی آنستیرال و نیز ماده‌ی ۱۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به وضوح اصل حاکمیت اراده پذیرفته شده است و طرفین نیز مکلف به ارجاع به یک آیین رسیدگی محلی و یک نظام حقوق ملی نشده‌اند. تنها محدودیت، رعایت مقررات امری قانون محل داوری است.

در داوری‌های سازمانی نیز التزام محکمه‌ی داوری به قواعد امری قانون محل داوری در قواعد مرکز داوری پیش‌بینی می‌شود؛ چراکه محل داوری و مقر حقوقی مرکز داوری که اختلاف را اداره می‌کند ضرورتاً بر هم منطبق نیست. چنین مکان‌هایی ممکن است در کشورهای مختلفی واقع شده باشند. این مسئله از ویژگی‌های بارز داوری ICC است. در مورد SCC نیز ممکن است پرونده‌هایی بر اساس قوانین مؤسسه‌ی داوری، اما خارج از سوئد رسیدگی شوند.

بر اساس ماده ۶ قواعد داخلی دیوان داوری بین‌المللی ICC، دیوان هنگام بررسی پیش‌نویس رأی داوری مطابق ماده‌ی ۳۳، تا حد امکان الزامات امری قوانین محل داوری را مدنظر قرار می‌دهد. بدین ترتیب اگرچه داوری اتاق از نوع داوری بین‌المللی است و محکمه‌ی داوری مطابق قواعد داوری اتاق به دعوی رسیدگی می‌کند و به مقررات و قوانین داوری کشور محل داوری ملزم نیست؛ اما به هر حال مکلف است قوانین امری و نظم عمومی آن کشور را رعایت کند که همین امر ممکن است پاره‌ای محدودیت‌های حقوقی برای او ایجاد کند. (مجی، ۱۳۷۸: ۹۰) این مقررات امری عمدتاً همان اصول اجباری دادرسی است که نه تنها تمام نظام‌های حقوقی ملی و اسناد داوری آن را پذیرفته‌اند، بلکه بخشی از نظم عمومی فراملی محسوب می‌شود. (جنیدی، همان: ۸۴)

از آنجا که رسیدگی قضایی علاوه بر رسیدگی در مراجع قضایی به مفهوم خاص آن (دادگاه‌های دادگستری) شامل رسیدگی در مراجع داوری هم می‌شود و رأی داور یک تصمیم قضایی است، لذا اصول دادرسی عادلانه باید توسط محاکم داوری رعایت شود. منظور از دادرسی عادلانه نیز رسیدگی است که از طریق مکانیزم‌های مناسب قضایی، مطابق با اصول معتبر حقوقی و رعایت تشریفات قانونی لازم انجام گیرد. (فضائی، ۱۳۸۷: ۶۲) اما از آنجا که گرایش به داوری به‌ویژه در

داوری تجاری بین‌المللی به منظور سرعت و سهولت رسیدگی و حل و فصل اختلاف است، توجه به توازن میان قواعد شکلی مهم و اهداف داوری ضرورت دارد. بنابراین در حالی که در لزوم رعایت اصول دادرسی عادلانه در داوری تردیدی نیست، اما جلوه‌ی این حق در داوری قدری متفاوت از آن در دادگاه‌های دادگستری است.

از میان اصول متعدد دادرسی که در رسیدگی دادگاه‌ها اعمال می‌شوند، داور فقط ملزم به رعایت «اصول تضمین کننده‌ی عدم جانبداری و توافعی بودن رسیدگی» است. (خدری، ۱۳۹۳: ۵۳۱) اصل رفتار برابر با طرفین و اصل استقلال و بی‌طرفی نسبت به طرفین به عنوان اصول تضمین کننده‌ی عدم جانبداری، اصل دادن فرصت برابر به طرفین برای طرح دعوی خود و اصل ابلاغ مناسب و به موقع به عنوان اصول تضمین کننده‌ی توافعی بودن رسیدگی محسوب می‌شوند.

۳-۲. قانون حاکم بر مدیریت جریان داوری

آیا همین روش برای مسائل مرتبط با مدیریت جریان داوری مرکز داوری قابل اجرا است؟ آیا مرکز باید قانون مقرر حقوقی مرکز، یا محل داوری را اعمال کند؟ آیا مانند محاکم داوری، مرکز داوری نیز به قواعد امری قانون محل داوری ملتزم است؟

با توجه به اصل حاکمیت اراده، چنانچه طرفین اختلاف، داوری سازمانی را بر داوری موردی ترجیح دهند، در واقع پذیرفته‌اند که مقررات مرکز داوری بر داوری آن‌ها حاکم باشد. بر اساس بند ۲ ماده ۶ قواعد داوری ICC با توافق بر پذیرش داوری تحت این قواعد، طرفین پذیرفته‌اند که داوری باید توسط دیوان پیش برده شود. در بند ۲ ماده ۱ از همین قواعد نیز گفته شده است دیوان، حل و فصل اختلافات را بر اساس قواعد ICC اداره می‌کند. در ماده‌ی آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات مرکز داوری اتاق ایران نیز تراضی بر ارجاع اختلاف به مرکز داوری به منزله‌ی التزام و قبول این آیین‌نامه‌ی داوری و سایر آیین‌نامه‌های داخلی مرکز داوری در مورد نحوه‌ی ارائه‌ی خدمات است. گفته شده است، غیرمحملی کردن داوری در مفهوم وسیع شامل حذف حق نظارت دادگاه‌های ملی نسبت به محاکم داوری و آرای آن است. در قانون نمونه‌ی آنستیرال در مورد داوری تجاری بین‌المللی این گرایش به خوبی منعکس شده است. بدین ترتیب که در ماده ۵ قاعده یا اصل کلی عدم دخالت دادگاه‌های دولتی بیان و در ماده‌ی ۶، استثنای اصل مزبور به طور حصری تعیین شده است. در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران چیزی معادل ماده‌ی ۵ قانون نمونه وجود ندارد، ولی

در ماده‌ی ۶ این قانون موارد مداخله‌ی دادگاه‌ها به طور حصری مشخص شده است و موارد اقدامات مراکز داوری در جریان داوری بیان شده است. (جنیدی، همان: ۸۵) بنابراین مرکز داوری بر اساس مقررات خود جریان داوری را مدیریت می‌کند.

آیا مرکز داوری مانند محکمه‌ی داوری التزامی به مقررات امری قانون محل داوری یا اصول دادرسی عادلانه دارد؟

در قانون اساسنامه‌ی مرکز داوری اتاق ایران مقرر شده است که مرکز وظایف خودش را مطابق قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران انجام خواهد داد (ماده ۱۰). لذا ممکن است استدلال شود که صرف نظر از محل داوری، مسائل مرتبط با مدیریت جریان داوری توسط مرکز داوری اتاق ایران همواره تابع قانون ایران است. لذا اصول دادرسی بیان شده در ماده‌ی ۱۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی (رفتار برابر با طرفین و دادن فرصت برابر به طرفین برای طرح ادعا یا دفاع و ارائه‌ی دلایل) خطاب به محاکم داوری و مرکز داوری هر دو می‌باشد. هرچند اگر ماده‌ی ۱۰ نیز به حاکمیت مقررات داوری ایران بر کارکرد مرکز اشاره نمی‌کرد، به نظر ما اصول مندرج در ماده‌ی ۱۸ بر این کارکردها قابل اعمال می‌باشد.

با توجه به استدلال‌های صورت گرفته در قسمت قبل در خصوص ماهیت تصمیمات مراکز داوری، اگر بپذیریم که برخی از تصمیمات سازمانی از سطح مشخصی از اهمیت برخوردارند، به نظر می‌رسد که مراکز داوری در هنگام تصمیم‌گیری ملزم به رعایت اصول دادرسی عادلانه هستند. از طرف دیگر، روشن است که تحمیل قاطعانه‌ی اصول دادرسی عادلانه بر تمام تصمیمات سازمانی مشکل‌ساز است. سطح اهمیت یک تصمیم گرفته شده (قابلیت آن در تأثیرگذاری بر نتیجه‌ی دعوی) به نظر می‌رسد یک فاکتور قابل اجرا به منظور تعیین محدوده‌ی اعمال استانداردهای دادرسی عادلانه باشد. برخی از اصول دادرسی عادلانه برای هر دو مرکز داوری و محکمه‌ی داوری قابل اعمال است:

- ۱- رفتار برابر با طرفین ۲- استقلال و بی‌طرفی مرکز نسبت به طرفین ۳- دادن فرصت برابر به طرفین
- برای طرح دعوی خود ۴- ارائه‌ی دلایل (استدلال) برای تصمیمات سازمانی ۵- ابلاغ مناسب و به موقع.

۳-۳. مسئولیت مرکز داوری

داور یا سازمان داوری تا زمانی که با حسن نیت عمل می‌کند و درستکار است، نباید به جهت اشتباهاتی که احتمالاً در کارش وجود دارد یا پیش می‌آید ضامن و مسئول باشد. اما عدم انجام صحیح وظایف، یا سوء رفتار یا تعلل مرکز داوری در برگزاری داوری، مسئولیت گسترده و جامعی را در مقابل طرفین و داوران و حتی اشخاص ثالث به بار می‌آورد که برخی از آن‌ها ممکن است مسئولیت قراردادی باشد و بعضی مسئولیت قهری یا غیرقراردادی (مسئولیت مدنی) (نیک بخت، همان: ۵۶).

با وجود این مراکز داوری در قواعد خود معمولاً برای همه افراد و ارکان خود شرط معافیت از مسئولیت وضع نموده است، مانند ماده ۶۶ قواعد مرکز داوری اتاق ایران یا ماده ۳۴ قواعد داوری ICC. گفته شده با درج شرط عدم مسئولیت در قواعد سازمان داوری، می‌توان داور یا سازمان داوری را از مسئولیت مدنی مصون دانست (همان: ۷۸).

البته در پاسخ گفته‌اند، اینکه آیا می‌توان مسئولیتی که در نتیجه تقصیر برای اشخاص به وجود می‌آید با توافق قبلی محدود یا زایل نمود، یا به عبارت دیگر واردآورنده‌ی زیان یا خسارت را (هر چند با تقصیر) معاف از مسئولیت نمود، پاسخ آن در سیستم‌های حقوقی مختلف متفاوت است (همان: ۷۸).

اما با توجه به اینکه اصول دادرسی عادلانه از جمله قواعد امری محسوب می‌شود که بر مدیریت جریان داوری نیز حاکم است، به نظر می‌رسد اعتبار و تأثیر شرط عدم مسئولیت یا تحدید مسئولیت قاعدتاً تحت تأثیر قواعد آمره‌ی قانون حاکم بر دعوای مسئولیت قراردادی یا غیرقراردادی (از جمله قانون محل داوری) قرار خواهد گرفت.

۴. بررسی قضایی تصمیمات مرکز داوری

پس از روشن شدن این مطلب که مراکز داوری در مدیریت جریان داوری ملتزم به اصول دادرسی عادلانه هستند، سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که در صورت عدم رعایت این اصول، آیا امکان بررسی قضایی و تجدیدنظر در این تصمیمات از سوی دادگاه‌های داخلی وجود دارد؟

از جمله دلایلی که دیدگاه نخست در مورد ماهیت اداری تصمیمات مراکز داوری مطرح می‌کند این است که مکانیسم‌های رسیدگی قضایی که در مورد آرا داوری اعمال می‌شود در خصوص تصمیمات مراکز داوری قابل دسترس نیست. یعنی در حالی که دادگاه‌های داخلی می‌توانند اقدام به ابطال آرای داوری نمایند در مورد تصمیمات مراکز داوری به دلیل اداری بودن، این امکان وجود ندارد.

آیا با رد دو دیدگاه اول و دوم در مورد ماهیت مدیریت داوری می‌توان به این نتیجه رسید که تصمیمات مرکز داوری که در نتیجه دعوی تعیین کننده هستند، می‌توانند مورد تجدید نظر قضایی قرار گیرد؟

پلسون می‌گوید: طرف‌های یک قرارداد بین‌المللی عموماً ترجیح می‌دهند مقامات ملی را کنار گذاشته و وظیفه مدیریت داوری را به نهادی بی‌طرف واگذار کنند. سؤال این است که آیا و تا چه حد کسی می‌تواند پلیس را کنترل کند. مطمئناً باید مکانیسمی باشد که بتواند تصمیم‌سازی نادرست بوده را بی‌اثر سازد. حتی در مورد مراکز داوری مشهور نیز ممکن است موقعیت‌های پیش‌آید که یک طرف مجبور به بررسی قانونی بودن یک تصمیم اداری خاص شود (Paulsson, op.cit: 226).

مشکل چنین فرایندی آن است که ضرورتاً مدت داوری افزایش می‌یابد. همچنین باب سوءاستفاده را باز می‌کند. با وجود اهمیت هزینه و مدت در داوری نباید در مورد امکان اختلالی که بررسی گسترده تصمیمات سازمانی ایجاد خواهد کرد مبالغه نمود.

پذیرش امکان بررسی برخی تصمیمات مرکز داوری پرسش‌های مهم چندی را مطرح می‌سازد: آیا بررسی فقط در مرحله اجرای رأی انجام می‌شود، یا زمانی که جریان رسیدگی داوری ادامه دارد هم می‌تواند انجام شود؟

چه کسی این بررسی را انجام می‌دهد، دادگاه ملی، محکمه داوری، یا کمیته استیناف در داخل مرکز؟

محدوده‌ی بررسی آیا فقط شامل ادعاهای مربوط به نقض اصول دادرسی عادلانه می‌شود، یا محتوای تصمیم هم می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد؟

به‌رغم مشکلات غیر قابل انکاری که تجدیدنظر در تصمیمات سازمانی به‌وجود خواهد آورد، به نظر می‌رسد که بررسی تا آنجا که به تصمیمات سازمانی تأثیرگذار در نتیجه مربوط می‌شود، مطلوب و انجام شدنی است.

اول، اینکه لازم نیست تمام تصمیمات سازمانی مورد تجدیدنظر قرار گیرد، بلکه فقط آن‌هایی که بسیار احتمال دارد در نتیجه تأثیرگذار باشند؛ بایستی مورد بررسی قرار گیرد. دوم، بررسی به نقض اصول دادرسی عادلانه محدود می‌شود و محتوای تصمیمات سازمانی را در بر نمی‌گیرد. سوم، قواعد مرکز باید به صراحت مشخص کنند که در زمانی که جریان رسیدگی داوری ادامه دارد، هرگونه ادعای نقض اصول دادرسی عادلانه در وهله اول در مرکز داوری مطرح شود؛ به نحوی که مرکز بتواند آن را جبران نماید. برخی از بررسی‌های داخلی می‌تواند در قواعد داوری مرکز درج شود. برای مثال تصمیمات سازمانی در مورد مقر، زبان، ادغام دعاوی، ورود ثالث و قانون قابل اعمال می‌تواند توسط محکمه داوری مورد بازنگری قرار گیرد. مثلاً قواعد مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات (ICDR) کانادا ۲۰۰۹ مقرر می‌دارد تصمیم مرکز در مورد مقر داوری به‌وسیله‌ی محکمه داوری قابل بازنگری است. از طرف دیگر تجدید نظر از طریق یک کمیته سازمانی داخلی حتی برای تصمیمات مهم‌تری همچون جرح داور به نظر بسیار کند و دست و پا گیر می‌باشد.

اگر نقض اصول دادرسی ادعایی در طول جریان رسیدگی به نحو داخلی جبران نشود، پس از پایان جریان رسیدگی، بررسی قضایی در مورد تصمیم مرکز داوری می‌تواند توسط دادگاه داخلی صورت گیرد. رویه‌ی قضایی دادگاه‌های داخلی نشان می‌دهد که امکان طرح دعوی علیه مراکز داوری وجود دارد. دادگاه استیناف فرانسه در قضیه^۱ SNF S.A.S.v.CCI معتقد است چنانچه ICC در انجام وظایفش در مدیریت جریان داوری کوتاهی کند، می‌توان علیه او دعوی جبران خسارت طرح نمود، برخلاف ماده‌ی ۳۴ قواعد داوری ICC که عدم مسئولیت داوران، دیوان و اعضای آن را در ارتباط با داوری بیان می‌کند (Baizeau, 2009: 384). از این رو در برخی دعاوی علیه ICC به رعایت اصول دادرسی از سوی ICC تأکید شده است.

۱. SNF S.A.S.v.CCI, Court of Appeal of Paris. 22 Jan. 2009.

برای مثال در قضیه ^۱ Philipp Brothers v. Drexel دادگاه پاریس معتقد بود که ارجاع اختلاف به داوری نه تنها نتیجه‌ی اعتماد طرف‌ها به داوران بلکه به مرکز داوری است که باید جریان داوری را مدیریت کند. در راستای چنین اعتمادی مرکز داوری باید قواعدش را به منظور رعایت نظم حقوقی و اقتصادی تنظیم کرده و با طرفین به نحو مساوی رفتار کند.

همچنین در قضیه ^۲ Philipp Brothers v. Icco دادگاه پاریس بیان می‌دارد موضوع استقلال و بی‌طرفی مرکز داوری که داوران را منصوب می‌کند جدای از شرط بی‌طرفی داوران نیست که در تمام جریان رسیدگی داوری باید به طور دقیق رعایت شود (Rubino-Sammartano, 2001: 370). سرانجام برای اقدامات اجرایی چارچوب فعلی کنوانسیون نیویورک مناسب است، زیرا کنوانسیون موارد مندرج در ماده‌ی ۵ را به اقدامات اتخاذ شده توسط محاکم داوری محدود نمی‌کند. تصمیمات سازمانی ممکن است به ابطال رأی منجر شود. ماده‌ی ۶۸ قانون داوری انگلیس در این خصوص قابل ذکر است (Gerbay, op.cit: 232).

نتیجه

روزانه اختلافات زیادی در زمینه‌ی تجارت بین‌الملل از طریق داوری سازمانی و با مدیریت مراکز داوری حل و فصل می‌شود. امتیازات داوری سازمانی سبب گسترش سازمان‌های داوری در سطح جهان شده است. در ایران نیز پس از تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ داوری سازمانی به طور مشخص جایگاه خاصی در نظام حقوقی کشور یافته است. بر این اساس مراکز داوری مهمی همچون مرکز داوری اتاق ایران و مرکز منطقه‌ای داوری تهران در جهت ارائه خدمات داوری تأسیس شدند.

در تمامی مراکز داوری یک نوع تقسیم وظایف مشاهده می‌شود. کار رسیدگی به پرونده و حل و فصل اختلاف با محکمه‌ی داوری و داور بوده و ارائه‌ی خدمات اداری، پشتیبانی، کارشناسی و نظارتی با مرکز داوری است. در واقع فعالیت‌های مراکز داوری را در کل می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: وظایفی که ارتباط مستقیم با اختلافات خاص دارند و وظایفی که چنین ارتباط مستقیمی ندارند. مدیریت جریان داوری مربوط به دسته‌ی اول می‌باشد، یعنی در خصوص برخی پرونده‌ها گاهی

۱. Ste Philipp Brothers v. Ste Drexel et al, Tribunal de Grande Instance de Paris, June 29, 1989.

۲. Ste Philipp Brothers v. Ste Icco et al, Tribunal de Grande Instance de Paris, April 6, 1990.

اوقات لازم است مرکز ورود پیدا کند و در جهت رفع مشکلات و انجام بهتر جریان رسیدگی اقدام یا تصمیمی را بگیرد.

نقشی که مرکز داوری در مدیریت جریان داوری انجام می‌دهد، شبیه کار دادگاه‌های داخلی در خصوص داوری موردی است. در این مقاله نمونه‌هایی از مدیریت جریان داوری توسط دیوان داوری ICC و مرکز داوری اتاق ایران مورد اشاره قرار گرفت.

هنگام بررسی دقیق‌تر عملکرد مراکز داوری در مدیریت جریان داوری دو موضوع بیشتر خودنمایی می‌کند: تصمیمات چنین نهادهایی و قانون حاکم بر آن. محاکم داوری و مراکز داوری وظایف مختلفی را انجام می‌دهند، بر این اساس تصمیم مراکز داوری در مقایسه با محاکم داوری نوع متمایزی است. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، نظر نویسنده‌ی این مقاله این است که نمی‌توان تصمیمات این مراکز را تصمیمات صرفاً اداری دانست، چرا که برخی از این تصمیمات بر نتیجه رسیدگی تأثیر داشته، چه بسا منجر به ابطال رأی داوری نزد دادگاه‌های داخلی گردد. با قبول جنبه‌ی قضایی این تصمیمات، اصول دادرسی عادلانه همچون رفتار برابر با طرفین، استقلال و بی‌طرفی مرکز نسبت به طرفین، دادن فرصت برابر به طرفین برای طرح دعوای خود، ارائه‌ی دلایل (استدلال) برای تصمیمات سازمانی، ابلاغ مناسب و به موقع، که در جریان رسیدگی داوری باید از سوی محاکم داوری رعایت شود، بر فعالیت‌های مراکز داوری قابل اعمال است. در صورت عدم رعایت وظایف از سوی این مراکز به‌ویژه اصول مذکور، مسئولیت مرکز داوری قابل طرح بوده و امکان طرح دعوی نزد دادگاه‌های داخلی جهت ابطال تصمیم مرکز یا ابطال رأی داوری وجود دارد.

فهرست منابع

فارسی

- جنیدی، لعلیا (۱۳۷۸)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- خدیری، صالح (۱۳۹۳)، اصول دادرسی در داوری تجاری بین‌المللی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، شماره ۴، صفحات ۵۲۷ تا ۵۴۳.
- سیفی، سید جمال (بی تا)، اهمیت داوری سازمانی در دعاوی تجاری بین‌المللی، تهران: سایت مرکز داوری اتاق ایران.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین‌المللی، تهران: سمت.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۷۸)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- لیو، جولیان، لوکاس ای میستلیس، استفان ام کرول (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- محبی، محسن (۱۳۷۸)، نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۲۴، صفحات ۲۹ تا ۱۰۵.
- نیک‌بخت، حمید رضا (۱۳۹۱)، مسوولیت سازمان داوری در داوری، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، صفحات ۵۵ تا ۸۱.
- مشکور، مشکان (۱۳۹۱)، داوری سازمانی در حقوق ایران با تأکید بر مقررات مرکز منطقه ای داوری تهران و مقررات مرکز داوری اتاق ایران، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، صفحات ۸۱ تا ۹۳.

انگلیسی

- Baizeau, Domitille (2009), Liability of Arbitral Institutions: Increased Scrutiny by the Courts of the Seat?, ASA Bulletin, 2, pp. 383-386.
- Gerbay, R. (2014), The Functions of Arbitral Institutions: Theoretical Representations and Practical Realities, Thesis for Doctor of Philosophy, Queen Mary, University of London.
- Halsbury's Laws of England (2010), Institutional Arbitration in Halsbury's Laws of England, Vol 61, (International Relations Law), 5th edn, LexisNexis Butterworths.
- Paulsson, Jan (1990), Vicarious Hypochondria and Institutional Arbitration, Arbitration International, Kluwer Law International, Vol. 6, Issue 3, pp 226-252.

- Rubino-Sammartano, Mauro (2001), International Arbitration: Law and Practice, Netherlands, Kluwer Law International.
- Zykin, Ivan S. (2010), Procedural Aspects of Activities of Institutional Arbitration Bodies, Published in: Kaj Hobér, Annette Magnusson & Marie Öhrström, Between East and West: Essays in Honour of Ulf Franke, JurisNet.